

مفاخر ملی

به مناسبت روز بزرگداشت خواجه نصیر الدین توسی اعجوبه مهندس سی



ابوجعفر، محمد بن حسن توسی، مشهور به خواجه نصیرالدین توسی، روز پنجم اسفندماه سال ۵۷۹ ه‍.ش(۱۵ جمادی الاول سال ۵۹۸ ه‍.ق) در شهر توس متولد شد.

او در کودکی، مقدمات را از پدر فرا گرفت و توانست در مدت کوتاهی، ریاضیات، حکمت، منطق و حدیث را از دانشمندان و علمای حاضر در توس که بعضاً با او نسبت خویشاوندی داشتند، فرا گیرد. خواجه، کتاب «اشارات» ابن سینا را نزد فریدالدین داماد نیشابوری آموخت. او در همین سال ها با «قانون» ابن سینا آشنا شد و مدتی نیز محضر عطار نیشابوری را در ک کرد. وی سرانجام به عشبات رفت و فقه و اصول را از معین الدین مازنی (از شاگردان مبز ابن ادریس حلی) فرا گرفت و از طرف او اجازه نقل روایت دریافت کرد. در همین دوره بود که علامه حلی از محضر او برای آموختن حکمت بهره برد و افتخار شاگردی خواجه نصیر را پیدا کرد. خواجه نصیر الدین توسی بعد از تکمیل علم در عراق، به خراسان بازگشت و مدتی در «قائن» ساکن شد. همزمان، عبدالرحیم بن ابی منصور حاکم اسماعیلی قلعه قهستان که دوستدار فلسفه و حکمت بود، از وی خواست در قلعه او ساکن شود و به این ترتیب حضور ۲۶ ساله خواجه در قلاع اسماعیلیان آغاز شد. به گفته برخی مورخان، خواجه در مدت اقامت در قلعه قهستان، کتاب «طهارة الاعراق» ابن مسکویه را به فارسی ترجمه کرد و نام آن را «اخلاق ناصری» گذاشت. در ابتدای کار، «این اقامت برای او راحتی و آسایش به بار آورد، اما پس از مدتی با آشکار شدن مغایرت اعتقادات او با اسماعیلیان و گرایش وی به تشیع دوازده امامی، حاکمان اسماعیلی بر او سخت گردفتند و خواجه را به قلعه الموت فرستادند. با تصرف قلاع اسماعیلی و از جمله الموت به دست هلاکوی مغول، خواجه نصیرالدین توسی توانست از زندان ۲۶ ساله خارج شود. فضل و دانش و اخلاق برجسته او باعث شد که به عنوان دانشمند خواجه مورد توجه هلاکو قرار گیرد. هلاکو، خواجه را به عنوان مشاور خود برگزید و او با در اختیار داشتن چنین موقعیت ممتازی، خدمات بزرگی به جهان اسلام کرد. از جمله کارهای مهم او، جلوگیری از نابودی کتابخانه‌های بزرگی بود که مغولان تصمیم به سوزاندن آن‌ها گرفته بودند. کتابخانه بزرگ قلعه الموت یکی از این ذخایر علمی بود که توسط خواجه نصیرالدین توسی حفظ شد. او در ریاضیات و فنون مهندسی، سرآمد روزگار خود بود و در طراحی بسیاری از ادواتی که بعدها در امور مهندسی به کار گرفته شد، نقش داشت. به همت او، بنای ر صدخانه مراغه با دقتی مثال زدنی ساخته و توانایی وی در امور مهندسی، باعث شد که این بنای باشکوه، کمترین خطارا در محاسبات نجومی داشته باشد؛خواجه را باید، به حق، فخر مهندسی ایرانی هم بدانیم. از ۱۵۰ کتاب و رساله ای که از او برجای مانده یا تنها نامش به اطلاع ما رسیده، تعداد اندکی به زبان فارسی و بقیه به زبان عربی است.

تاریخ

زهر «انور» در قهوه «ناصر»!

آیا جمال عبدالناصر، چنان که «حسنین هیکل»، روز نامه نگار مشهور مصری روایت می کند، توسط انور سادات مسموم شد؟

۶۶

هدی ناصر، دختر جمال عبدالناصر نیز بر نظر حسنین هیکل مهر تأیید زد و سادات را قاتل پدرش معرفی کرد. سادات قهوه ناصر را مسموم کرده بود

■ **چرا انور سادات؟**

همان‌طور که اشاره کردیم، ناصر اصولاً در برخورد با رژیم صهیونیستی اهل مماشات نبوده؛ او به شدت از مبارزان فلسطینی حمایت می‌کرد و افزون بر این، مصر عصر ناصریسم، وعده‌گاه همه مبارزان از اقصی نقاط جهان برای گذراندن دوره‌های جنگ چریکی بود. بنابراین، کشور‌های منطقه به ویژه آن‌ها که به دلیل رژیم استبدادی، همواره در معرض اعتراض و قیام مردمی قرار داشتند، از ناصریسم و جمال عبدالناصر متنفر بودند. در این بین، آمریکا به عنوان هماهنگ کننده مشترک اقدام علیه ناصر، وارد عمل شد و سازمان اطلاعاتی رژیم صهیونیستی، نفوذ در میان اطرافیان ناصر را آغاز کرد؛ داماد او، اشرف مروان، یکی از این افراد بود که ارتباطش با اسرائیل، چند دهه بعد فاش شد. اطرافیان ناصر به دو گروه مشخص تقسیم می‌شدند؛ طرفداران شوروی و علاقه‌مندان به آمریکا! انور سادات در رأس گروهی قرار داشت که پیوند مصر و آمریکا را لازم می‌دانست و مورد علاقه غرب بود. او پس از مرگ ناصر، رئیس‌جمهور شد؛ در جنگی از پیش طراحی شده، صحرای سینارا از صهیونیست‌ها پس گرفت و بلافاصله در کمپ دیوید، با بگین، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و قصاب دیرباسبین، پیمان صلح را امضا کرد. بنابراین، به‌نظر می‌رسد برای غرب، راه برقراری امنیت در مرزهای غربی فلسطین اشغالی، از روی جازه جمال عبدالناصر عبور می‌کرده‌است و انجام این امر، یعنی ترور ناصر، باید به دست کسی صورت می‌گرفت که نفعی از این قتل داشته باشد؛ این جاست که انگشت اتهام تنها به سوی انور سادات نشانه‌می‌رود و او را به متهم ردیف اول این جنایت تبدیل می‌کند.



جمال عبدالناصر (سمت چپ) در کنار انور سادات (سمت راست) در یک سفر کاری

فدائیان فلسطینی با ارتش اردن بود که بحث بالا گرفت و عبدالناصر عصبانی شد؛ تا آن‌جا که برخاست و به یاسر عرفات گفت: یا می‌شوی می‌رویم پایین در تالار اجتماعات و پایان بی‌نتیجه مذاکرات را اعلام می‌کنیم یا این که می‌نشینیم حرف جدی می‌زنیم و به توافق می‌رسیم. سادات که حال عبدالناصر را چنین دید گفت: رئیس، تو به یک فنجان قهوه نیاز داری، من خودم برایت درست می‌کنم! بعد رفت توی آشپزخانه، اما وقتی قهوه درست می‌کرد، محمد داوود، آشپز مخصوص عبدالناصر را که از سیاه پوستان نوبه‌ای بود، از آشپزخانه بیرون کرد. بعد قهوه را به دست خودش آورد و به عبدالناصر داد و او هم قهوه را نوشید. «حسنین هیکل که این سخنان را در برنامه زنده شبکه الجزیره بر زبان آورد، تأکید کرد که سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل، آمریکا، انگلیس، عربستان سعودی و حتی ساواک، برای ترور ناصر برنامه‌ریزی کرده بودند. او که در آخرین لحظات نزد جمال عبدالناصر و شاهد مرگ او بود، از یک علامت سوال بزرگ درباره چرایی مرگ رئیس‌جمهور فقید مصر پرده برداشت. هدی ناصر، دختر جمال عبدالناصر نیز بر این نظریه مهر تأیید زد و سادات را قاتل پدرش معرفی کرد. اما آیا می‌توان مسئله قتل ناصر توسط سادات را به صورت جدی مورد توجه قرار داد؟

صلح با رژیم صهیونیستی، مقاومت می‌کرد. اصرار آمریکایی‌ها، گرایش بیشتر ناصر به سوی شوروی را در پی داشت و این امر برای آمریکا قابل تحمل نبود. به این ترتیب، هم آمریکا و هم رژیم صهیونیستی، به این نتیجه رسیدند که نباید ناصر وجود داشته باشد!

■ **کلید خوردن پروژه ترور**

برخی معتقدند که پروژه ترور ناصر از مدت‌ها قبل و به وسیله موساد کلید خورده بود. این مسئله اصلاً بعید نیست؛ صهیونیست‌ها همواره از ترور به عنوان یکی از اصلی‌ترین راه‌های از میان برداشتن مخالفانشان استفاده می‌کنند. ظاهراً ابتدا قرار بود این اقدام در بازدید ناصر از سودان و ضمن حضور وی در نمایشگاه انقلاب فلسطین انجام شود؛ اما به دلیلی، این اقدام به نتیجه نرسید. ناصر پس از بازگشت از سودان، با یاسر عرفات دیداری داشت و در همین دیدار بود که اتفاقی عجیب روی داده؛ اتفاقی که ۴۰ سال بعد از مرگ ناصر، توسط حسنین هیکل، روزنامه‌نگار شهیر مصری که در آن جلسه حضور داشت، فاش شد و جهان را در بهت فرو برد. هیکل در این باره گفت: «جمال عبدالناصر سه روز پیش از مرگش در سوئیت شخصی خود در هتل نیل هیلتون قاهره، در حال گفت‌وگو با یاسر عرفات برای پایان دادن به درگیری

وطن‌دوستی ایرانیان دوره قاجار به روایت «آر تور گوبینو»

تاریخ دوستی و علاقه به وطن ایرانیان، سفرنامه نویسان انگلیسی اظهار نظر آن چنانی نکرده‌اند و به نظر می‌رسد علاقه چندان‌ی به این موضوع نداشته‌اند. اما گوبینو فرانسوی که روزگاری کارمند سفارت دولت متبوعش در تهران بود، در این باره مطالبی دارد: «به عقیده من، ایرانیان از نوعی میهن‌پرستی برخوردارند که جاودانی است. یک‌دیگر را در داخل کشورشان دوست دارند و کشورشان



را در وجود خودشان مجسم می‌بینند؛ اما با بی‌تفاوتی شاهد گذار حکومت‌های گوناگون از فرار سرشان هستند، بی‌آن که فریفته هیچ کدام از آنان بشوند و از این نظر، می‌توان گفت به کلی عاری از میهن‌پرستی سیاسی هستند. سلطنت‌ها، فتوحات،

تسخیر سرزمین‌ها به تدریج قدرتش را از دست می‌دهند و از بین می‌روند، بی‌آن که به شخصیت فردی ایرانی لطمه زده باشند.»

گوبینو در جای دیگری می‌گوید: «ایرانیان کشورشان را به شدت دوست دارند و آن را دلیپذیرترین، حاصلخیزترین و سالم‌ترین کشور روی زمین می‌دانند. «ایران خوب هستند، بی‌آن که فریفته هیچ کدام از آنان بشوند و از این نظر، می‌توان گفت به کلی عاری از میهن‌پرستی سیاسی هستند. سلطنت‌ها، فتوحات،

تسخیر سرزمین‌ها به تدریج قدرتش را از دست می‌دهند و از بین می‌روند، بی‌آن که به شخصیت فردی ایرانی لطمه زده باشند.»

ژوزف آر تور گوبینو، سه‌سال در آسیا یا سفرنامه

کنت دو گوبینو، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ

مهدوی، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۳، ص ۲۱۳

آگهی مزایده عمومی یک مرحله ای

اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری گیلان به عنوان مزایده گزار در نظر دارد اجرای احاله مدیریت اجرایی طرح پارک جنگلی مندرج در جدول زیر را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت و از طریق مزایده و با جزئیات مندرج در اسناد مزایده . به شرح زیر واگذار نماید.
کلیه مراحل فرایند مزایدات از دریافت اسناد مزایدات تا ارائه پیشنهاد قیمت مزایده گران و گشایش پیشنهادات از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran و همچنین با ارائه اصل تضمین به دبیرخانه مزایده گزار انجام خواهد شد . به تضمینات واصله بدون بارگذاری درسامانه فوق و همچنین به تضمیناتی که بعد از انقضای مدت مقرر واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد .

ردیف	شماره مزایده	محل اجرای طرح (شهرستان)	مجموع هزینه های اجرای طرح موضوع مزایده (بدون احتساب بهره مالکانه)	مبلغ تضمین شرکت در مزایده (ریال)		مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد		مهلت ارائه پیشنهاد در سامانه ستاد		بازگشایی پیشنهادات در سامانه ستاد	
				در مزایده	در مزایده (ریال)	ساعت	تاریخ	ساعت	تاریخ	ساعت	تاریخ
	۵۰۹۸۰۰۳۹۳۱۰۰۰۰۰۷	پارک جنگلی دست گاشت فیشم رودبار	۱۴۰/۴۳۵/۱۲۶/۳۰۰	۴/۷۷۶/۷۰۳/۰۰۰	۱۴	۹۸/۱۲/۱۰	۱۲	۹۸/۱۲/۱۵	۱۰	۹۸/۱۲/۱۷	

۱- سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مزایده درج شده است .

۲-اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه : تلفن مرکز راهبری و پشتیبانی ۴۱۹۳۴-۰۲۱-میباشد .

(تاریخ آگهی نوبت اول جهت دریافت اسناد مزایده: ۹۸/۱۲/۰۵ - تاریخ آگهی نوبت دوم : ۹۸/۱۲/۰۶)

شناسه آگهی: ۷۸۲۰۸۸

یادداشت تاریخی

چرا دوره مغول، عصر رونق تاریخ‌نگاری است؟!



صحنه‌ای از جنگ ایلخانیان

رودسری – دوران پس از هجوم مغولان به ایران و تأسیس حکومت ایلخانی را، عصر رونق تاریخ‌نگاری می‌دانند؛ این ادعا به هیچ وجه گراف نیست؛ نگاهی به این دوره و ادوار پس از آن نشان می‌دهد که مورخان فال‌تر از همیشه، به نگارش رویدادها مشغول هستند و حتی برای برخی از آثار نگارش یافته در این دوره، نمی‌توان همتا و نظیری در دوره‌های گذشته یافت؛ «الکامل فی التاریخ» نوشته ابن اثیر و از آن مهم‌تر، «جامع التواریخ» که با حمایت خواجه رشیدالدین فضل‌ا... همدانی و هم‌تای جمعی از مورخان عصر ایلخانی به رشته تحریر درآمد از همیشه به کار خواهند پرداخت و ایران محسوب می‌شود. این را که چرا چنین اتفاقی روی داده است، باید در اسباب و وسایل تاریخ‌نگاری جست‌وجو کرد، بگذارید مثالی بزنم؛ وقتی مصالح ساختمانی به اندازه کافی در اختیار و بازار مسکن پررونق باشد، دست‌اندرکاران تولید مسکن، بیشتر از همیشه به کار خواهند پرداخت و تولیدات بیشتری خواهند داشت. مصالح کار مورخ عبارتند از قوقر ویدادها و حمایت مالی و معنوی قدرت‌های زمانه. دوره استیلای مغول بر ایران، از هر جهت واجد این دو عنصر مهم تاریخ‌نگاری بوده است. حملات گسترده مغولان به اقصی نقاط ایران و جهان و شتاب روزافزون رویدادها، مورخان را به ثبت آن‌ها تشویق می‌کرد. علاوه بر این، مغولان خود تمایل فراوانی به ثبت وقایع و غارت‌هایشان داشتند و آن را به مثابه مدال افتخاری در نظر می‌گرفتند که می‌تواند اسباب فخر فروشی را فراهم کند. باید توجه داشت که شتاب رویدادها، پس از حمله چنگیز به ایران در سال ۶۱۲ ه‍.ق و تجدید این هجوم به وسیله هلاکو، نوه‌ی، نه تنها دچار نقصان نشد، بلکه تا پایان دوره ایلخانی یعنی سال ۷۵۰ ه‍.ق و پس از آن نیز، همچنان رو به فزونی داشت. تأسیس حکومت‌های کوچک در مستملکات ایلخانان، پس از مرگ ابوسعیدو تلاش این حکومت‌های پراکنده برای اوسب مشر وعت بن عرب‌شاه، معروف به تاریخ‌سازی، خود اسباب رونق کار مورخان را فراهم کرد. پس از آن نیز با آغاز هجوم سه، پنج و هفت ساله تیمور به سراسر ایران و علاقه او به ثبت وقایع و روایت کشور گشایی هایش، باز هم مشعل تاریخ‌نگاری را پر نور نگه داشت. نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم این است که همه آثار نگارش یافته در این دوران و نیز عصر تیموری، در برگیرنده تکریم و ستایش غارتگران نیست؛ چرا که می‌توان در میان این نوشته‌ها، متونی را پیدا کرد که روایت سخت‌کنشی‌ها و قصابی‌های مغولان و تیمور را به روشنی روایت می‌کنند و خطر مرگ را به جان می‌خرند؛ شهاب‌الدین بن عرب‌شاه، معروف به ابن عرب‌شاه، یکی از این مورخان است. او که اصالتاً شامی بود، توسط تیمور به سمرقند برده شد تا در زمره مورخان درباری قرار گیرد. ابن عرب‌شاه بعدها، ضمن نگارش کتاب مشهور «عجائب المقدور فی نوائب تیمور»، گوشه‌هایی از ناگفته‌های جنایات تیمور را با قلمی تیز و پر نقد به تصویر کشید.